بانوی صداپیشه ۹۶ ساله شد

ژاله علو، صدای عشق و زندگی

ژاله علو ۹۶ ساله شد، همیشه گفته است تمام تلاش خود را انجام داده تا کارهایش را با صمیمیت، صداقت و عشق انجام دهد.

به گزارش ایسنا، ژاله علو سال ۱۳۰۶ در محله سنگلج و در خانواده‌ای زاده شد که فرهنگ برایشان اهمیت داشت. پدرش گرچه ارتشی بود ولی ذوق هنری داشت و علاقه‌مند بود دخترش با ادبیات کشور آشنا شود به همین دلیل از هفت سالگی با شروع مدرسه کتاب حافظ، سعدی و شاهنامه برایش می‌خوانده و او را تشویق می‌کرد تا با اشعار بزرگان کشور آشنا شود.

او که از دانشسرای مقدماتی مستقیما وارد رادیو شد و اعلام برنامه می‌کرد، می‌گوید: «در آن زمان به میدان ارک می‌رفتیم و با ماشین گویندگان را به بی‌سیم که یک استودیو پخش داشت و اغلب برنامه‌ها زنده پخش می‌شد، می‌بردند؛ یعنی اگر زنده یاد صبحی مهتدی برای قصه گویی می‌آمد و یا زنده یاد راشد برای سخنرانی می‌آمد به صورت زنده پخش می‌شد.»

علو درس و مشق را در دبستان «نواختران» در خیابان شاهپور آغاز کرد و دوره متوسطه را در مدرسه «خسرو خاور» گذارند. مدتی به دانشسرای مقدماتی رفت و به دلیل علاقه به کار هنری، هنرستان هنرپیشگی را انتخاب کرد. در هنرستان هنرپیشگی نزد استادان بزرگی مانند هایک گاراگاش، دکتر نامدار که استاد فن بیان بود و خانمی سوییسی که استاد بدن و حرکت بود، مشغول نوآموزی شد. در همین هنرستان با چهره‌هایی همانند محمد نوری، معز دیوان فکری و ... هم شاگردی شد و اولین حضور روی صحنه تئاتر را تجربه کرد.

طوسی حائری، معلم ادبیات دانشسرای مقدماتی، نخستین کسی بود که صدای خوش این دختر نوجوان را کشف کرد. او که خود جزو اولین گویندگان زن در رادیو بود، به دانش‌آموز نوجوان خود پیشنهاد کرد که گویندگی در رادیو را بیازماید. ژاله علو اولین حضورش را در رادیو با اعلام برنامه‌ها آغاز کرد و بعدها در این خانه ماندنی شد. فضای صمیمیانه رادیو او را نیز همچون دیگر همکارانش پا گیر کرد.

در دوره شکوه خیابان لاله‌زار که چراغ تئاترها و سینماهایش پر فروغ بود، ژاله علو اولین تجربه‌های جدی خود را در حوزه تئاتر در تئاتر فردوسی به انجام رساند.

خودش درباره این دوره در گفتگوی تاریخچه شفاهی سایت ارته (سایت تاریخچه شفاهی هنرمندان) گفته است: «عبدالحسین نوشین (پدر تئاتر نوین ایران) رفته بود و گروهش دنبال همکار بودند و دکتر نامدار مرا معرفی کرد.» مدتی بعد در تئاتر «تهران» می‌خواستند نمایش «آغا محمد خان» را بروی صحنه ببرند که دنبال او رفتند و برای بازی در نقش «امینه»، خواهر فتحعلی شاه و برادرزاده آغا محمد خان انتخابش کردند. بعدتر در نسخه سینمایی به کارگردانی صادق و منصور بهرامی هم همین نقش را بازی کرد.

او علاوه بر فعالیت در تئاتر فردوسی و تهران برای همکاری به تئاتر فرهنگ هم دعوت شد و در این تئاتر هم دو سه نمایش کار کرد. در همین تئاتر بود که هنرمندانی چون هوشنگ سارنگ، بدری هورفر، علی اصغر گرمسیری، لرتا هایراپتیان، نوشین و ... جدیت در کار را به او آموختند. برای آنان تئاتر هرگز سَرسَری نبود.

سال ۲۷ به طور جدی‌تری کار خود را در رادیو ادامه داد. اولین نمایش رادیویی‌اش با پرویز خطیبی بود و بعد از آن با مهدی قاسمی، نصرت الله محتشم، عزیز الله حاتمی هم همکاری کرد. در همکاری با محتشم برنامه «داستان شب» را پایه‌ریزی کردند. علو از اولین داستان شب با محتشم کار کرد و پای ثابت نمایش رادیویی شد. با وجود برنامه‌هایی مانند «داستان شب» و نمایش‌های رادیویی، کار رادیو رونق گرفت و او نیز این فضای گرم را خانه خود دید و در کارهای رادیویی پرشماری حضور پیدا کرد.

گرچه در رادیو تصویر هنرپیشه دیده نمی‌شد ولی او در برابر میکروفن رادیو هم همان بود که روی صحنه. آن چنان که خود گفته است: «مقابل میکروفن هرگز ادای گریه در نمی‌آوردم. اول به باور خودم فکر می‌کردم و بعد هم به باور مخاطب. خنده‌ام هم واقعی بود.» در دهه ۴۰ به عنوان کارگردان رادیویی هم فعال شد و بتدریج دوبله را هم آزمود و آنجا نیز ماندگار شد.

ژاله علو که به نسل طلایی دوبلورهای ایران تعلق دارد، در سینما و تلویزیون گویندگی‌های بسیار کرد. از مشهورترین بازیگرانی که او به جایش صحبت کرده، می‌توان از سوفیا لورن نام برد. دهه ۵۰ برای او با سرایش شعر همراه شد. او که در کودکی با سعدی و حافظ و مدتی بعد با مولانا دمخور شده بود، در این دهه شروع به سرایش شعر کرد و چند شعرش در کتاب زنان شاعر ایران منتشر شد.

ورودش به سینما با اسماعیل کوشان رقم خورد. همان استاد دوران نوجوانی، نامدار او را به کوشان معرفی کرد. کوشان آن زمان میترا فیلم را راه‌اندازی کرده بود. «طوفان زندگی» اولین فیلمی است که با آن، حضور مقابل دوربین سینما را تجربه کرد و بعدها با کارگردانانی همچون هوشنگ کاووسی، علی کسمایی هم کار کرد.

بازی در فیلم «طوقی» سبب همکاری او با علی حاتمی شد. همچنانکه در فیلم «صدای صحرا» هم با نادر ابراهیمی همکاری کرد. علو در سال های بعد از انقلاب با بازی در فیلم‌هایی مانند «زمان از دست رفته» به کارگردانی پوران درخشنده، «مهمان مامان» ساخته داریوش مهرجویی، «روز واقعه» کار شهرام اسدی، «آدم برفی» به کارگردانی داود میرباقری، «سلطان» کار مسعود کیمیایی، «جنگ نفتکش‌ها» ساخته محمد بزرگ‌نیا و ... حضور خود را روی پرده نقره‌ای تداوم بخشید.

او با بازی در نقش خاله لیلا در مجموعه «روزی روزگاری» در کنار خسرو شکیبایی یکی از خاطره انگیزترین بازی‌های خود را رقم زد. علو این روزها فیلم سینمایی «فصل ماهی سفید» را روی پرده سینماها دارد که در آن محمدرضا فروتن هم باری کرده است.

روابط عمومی موزه سینما بخشی از مصاحبه تاریخ شفاهی موزه با این هنرمند را منتشر کرده که در آن با اشاره به اینکه اواخر دهه ۳۰ کم کم کار سینما را رها کرد، گفته است: در آن دهه کیفیت کار متفاوت شده بود و دیگر نه من آن‌ها را می پسندیدم و نه آن‌ها مرا و کارم به رادیو و دوبله محدود شده بود. سرپرست دوبلاژ بودم و در رادیو برنامه‌های مختلفی را کارگردانی می‌کردم. در دهه ۵۰ چند فیلم بازی کردم و در ادامه آن‌ها در سریال امیرکبیر و روزی روزگاری، گالش ها و بخش چهار جراحی نیز حضور پیدا کردم اما همچنان با دوبلاژ همکاری می‌کردم و در سال ۵۸ از رادیو بازنشسته شدم. وی با بیان اینکه هنرمندان زیادی بودند که دیگر نظیر آنها را نخواهیم داشت، می‌گفت: البته هنوز هم هنرمند داریم که قابل توجه و احترام هستند اما یاد یاران از دست رفته در زمانی که آدم مرور خاطرات می کند، خیلی عزیز است. دوستانی بودند که در رادیو، دوبله، سینما و تئاتر همراه و همکار و همگام بودیم با هم به کارمان عشق می‌ورزیدیم، عاشقانه کار می‌کردیم و باهم اثری بوجود می‌آوردیم که مردم روزی دیدند و شنیدند و در خاطره‌هایشان نگه داشتند و هنوز بعد از سال‌ها وقتی من را می‌بینند می گویند ما با صدای تو بزرگ شدیم.

او همچنین از همکارانش یاد کرده و گفته است: یادم می آید روزی یکی از مجلات درباره خانم چهره آزاد از من سوال کرد و من در پاسخ گفتم او کارش را با عشق شروع کرد و عشقش را در کارش نیز به کار برد زیرا هنر و عشق از هم جدا نیستند. او به نیکنامی زندگی کرد و با جلال و عظمت از دنیا رفت. من معتقدم مرگ ترسناک و دردناک نیست بلکه یک پرواز باشکوه است و خوشا به حال کسانی که با شکوه پرواز می‌کنند. علو تاکید دارد که؛ تمام تلاشم را کردم تا کارهایم را با صمیمیت، صداقت و عشق انجام بدهم و در تمام مدت به مردم عشق ورزیدم؛ به همین دلیل مردم به من لطف دارند و همین برای من بهترین پاداش است.

آل پاچینو:

«پدرخوانده» هویت جدیدی به من داد

آل پاچینو بازیگر نقش مایکل کورلئونه در سه‌گانه «پدرخوانده» گفته این فیلم هویت جدیدی به من داد که کنار آمدن با آن برایم سخت بود.

به گزارش ایرنا، پدرخوانده در سوق دادن آل پاچینو به صف بهترین بازیگران تمام دوران نقشی به یادماندنی ایفا کرد. بازی در نقش مایکل کورلئونه - شخصیت پیچیده و متضاد که از یک وارث بی‌میل به یک رئیس مافیای بی‌رحم تبدیل می‌شود- استعداد استثنایی آل پاچینو و قدرت بازیگری او را به نمایش گذاشت.

او در گفت وگو با نیویورک تایمز، نتوانست همه چیز را در قالب کلمات بیان کند. آل پاچینو در این گفت وگو تصریح کرد: توضیح دادن در دنیای امروز سخت است - توضیح اینکه من در آن زمان چه کسی بودم و صاعقه‌ای که زده شد - احساس کردم که به‌یکباره تا حدودی پرده‌ها کنار زده و همه نگاه ها به من دوخته شد.

آل پاچینو به این که نگاه تهیه‌کنندگان درخصوص این نقش روی دیگران و نه او، بود اشاره کرده و گفته اما پدرخوانده هویت جدیدی به من داد که کنار آمدن با آن برایم سخت بود. فرانسیس فورد کاپولا کارگردان فیلم درام جنایی حماسی ۲۷۰ میلیون دلاری به خاطر عجیب‌ترین دلیلی که در قمار بر روی بازی آل پاچینو در مقابل فهرستی از بازیگران مطرح سینمای هالیوود داشت، از بازی رابرت ردفورد برنده اسکار ستاره مارول در نقش مایکل کورلئونه خودداری کرد.

پدرخوانده در یک دنیای موازی می‌توانست جلوه‌ای کاملا متفاوت به خود گرفته و رابرت ردفورد نقش اصلی فیلم فرانسیس فورد کاپولا را به جای آل پاچینو که در آن زمان هنوز شناخته شده نبود، بر عهده بگیرد. اما چنین نشد و ردفورد در دوران اوج خود در دهه ۱۹۷۰ به عنوان یکی از مدعیان برای این نقش انتخاب نشد؛ انتخابی که می‌توانست مسیر تاریخ را بازنویسی کند.

کارگردان در تصمیم خود برای انتخاب فردی که تا آن زمان هنوز اثری از خود در سینمای هالیوود به جا نگذاشته بود، قاطعیت داشت که این قاطعیت در نهایت منجر به ظهور آل پاچینو به عنوان یک چهره نامی در سینما شد. فورد کاپولا که به اندازه کافی جرات داشت تا بر سر آل پاچینو قمار کند، ثابت کرد که در تصمیم خود کاملا درست عمل کرده و این، راه را برای خلق یک شاهکار تاریخی هموار کرد.

فورد کاپولا در مقابل فشار استودیو ایستاد و آل پاچینو را برای نقش مایکل انتخاب کرد.

البته این تصمیم، باخت ردفورد را به یک سود تبدیل کرد و در حالی که بازی آل پاچینو او را به سوپراستار شدن سوق داد، رابرت در فیلم تحسین‌شده نیش - The Sting (۱۹۷۳)به کارگردانی جورج روی هیل با بازی پل نیومن درخشید. سرمایه گذاری بر روی ردفورد در این فیلم بسیار موفقیت آمیز بود و نه تنها تحسین منتقدان بلکه پیروزی تجاری را هم به دست آورد.

نیش در چهل و ششمین دوره جوایز اسکار، ۱۰ نامزدی قابل توجه را به دست آورد و برنده هفت جایزه شد.

پایتخت‌گریزی، رویکرد سی‌امین جشنواره هنرهای تجسمی جوانان

عضو شورای سیاستگذاری سی‌امین جشنواره هنرهای تجسمی جوانان ایران، چندرنگ و چندزبانه بودن هنر هر جامعه را نشان‌دهنده مدیریت صحیح فرهنگی دانست و گفت: پایتخت‌گریزی یکی از رویکردها و اتفاقات خوب این جشنواره است.

صابر شیخ‌رضایی در گفت وگو با خبرنگار فرهنگی ایرنا درباره برگزاری سی‌امین جشنواره هنرهای تجسمی جوانان ایران اظهارداشت: به‌روزرسانی رویدادهایی همچون جشنواره هنرهای تجسمی جوانان که به مرحله ثبات و تجارب چندین دهه‌ای رسیده‌اند، امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. این به‌روزرسانی هم از لحاظ حُسن تداوم و هم در راستای همراهی با تحولات سریع زمان و زمانه ضروری است.

وی گفت: در سی‌امین دوره جشنواره هنرهای تجسمی جوانان شاهد چندین اتفاق جدید هستیم؛ از جمله اینکه برای نخستین بار مسئولیت دبیری جشنواره به یک بانوی هنرمند محول شده است و این امر از منظرهایی همچون توجه به ارزش کارآمدی و سطح والای دانش و هنر بانوان، تجربه حضور در کنار جوانان در محیط‌های آموزشی و دانشگاهی، تقویت نقش فعال بانوان جامعه در مدیریت و ساماندهی امور و رویدادهای ملی و همچنین از منظر اجتماعی که حداقل نیمی از شرکت‌کنندگان جشنواره را بانوان تشکیل می‌دهند، قابل توجه است.

شیخ‌رضایی افزود: نگاه عاطفی زنانه همراه با حکمت، تدبیر و برنامه‌ریزی، برای تمامی شرکت‌کنندگان معنادار، امیدبخش و غرورآفرین است.

وی، پایین آمدن میانگین سنی و جوان‌گرایی در ترکیب اعضای شورای سیاستگذاری سی‌امین جشنواره هنرهای تجسمی جوانان ایران نسبت به دوره‌های گذشته را از دیگر ویژگی‌های قابل توجه این رویداد عنوان کرد.

عضو شورای سیاستگذاری سی‌امین جشنواره هنرهای تجسمی جوانان ایران اظهارداشت: با احترام به همه استادان، هنرمندان و مسئولان دوره‌های گذشته جشنواره، با توجه به تحولات جدی و سرعت تغییرات فرهنگی و اجتماعی در جامعه جوان ایران، برای جشنواره‌ای که به هنر این قشر اختصاص دارد زیبنده نبود که با میانگین سنی پنجاه تا هفتاد سال پیش رود، هر چند که این امر مغایرتی با بهره‌مندی از تجارب هنرمندان پیشکسوت ندارد.

شیخ‌رضایی گفت: یکی از زوایای به روز بودن سی‌امین جشنواره هنرهای تجسمی جوانان، سرفصل موضوعی این رویداد است که با نظر و مشورت اعضای شورا حول محور «وطن» شکل گرفت و به «ایران دوست داشتنی» منجر شد.

این هنرمند طراح افزود: محور اصلی مورد نظر شورا یعنی ایران، نسبت مستقیمی با تحولات اخیر و جنگ جهانی رسانه‌ها در پاییز و زمستان سال گذشته دارد؛ با توجه به همه مسائل و کاستی‌های مدیریتی، اقتصادی و فرهنگی در کشور، مسأله آسیب بر تمامیت ارضی، تزلزل امنیت پایدار ایران، تخریب هویت ملی، قبح‌زدایی از ارزش‌های ملی، معنوی و تاریخی ملت ایران از اصلی‌ترین انگیزه‌های دشمنان بود که به نام «آزادی» آن را در فضای رسانه‌ها و در عنوان‌های اعتراضی خود پنهان کردند.

عضو شورای سیاستگذاری سی‌امین جشنواره هنرهای تجسمی جوانان ایران بیان کرد: موضوع ایران دوست داشتنی، شاهراه بسیار وسیع از ایجاد پیوندهای جدید با کشور است؛ از پرداخت هنرمندانه به جاذبه‌های بی‌شمار و چشم‌نواز پهنه چهار فصل ایران گرفته تا پاسداشت نامداران عرصه‌های متفاوت این مرز و بوم، بازشناخت هویتی، غبارزدایی از زیبایی‌های در حال فراموشی، زندگی نیاکان، رسوم کهن و ده‌ها مجال دیگر که برای تحکیم پیوندهای عاطفی و حکمی با ایران و اتحاد هر چه بیشتر دل‌های مردم کشور به خصوص نسل نوجوان و جوان، می‌تواند مورد توجه قرار گیرد، همه ذیل این موضوع هستند.

وی با بیان اینکه استعدادیابی صرفا مختص جشنواره هنرهای تجسمی جوانان نیست، اظهارداشت: جشنواره‌های فراوانی در کشور طی دهه‌های گذشته با همین انگیزه در حال فعالیت بودند و همچنان هم هستند اما فعالیت‌هایشان به دلیل غلبه تشکیلات اداری، سازمانی و کمبود منابع به نتیجه مطلوب منجر نشده است.

شیخ‌رضایی گفت: امیدوارم فراتر از بازه زمانی برگزاری جشنواره و کشف استعدادها، همراهی، رفاقت، راهگشایی و حمایت‌های معنوی و حتی مادی برای جوانان و نوجوانان مستعد تداوم داشته باشد و با طراحی برنامه‌های متناوب به این امر پرداخته شود.

این هنرمند طراح بیان کرد: شکل آرمانی یک جشنواره این چنین است که راه‌هایی را برای رشد و تعالی ذهنیت، شخصیت و هنر استعدادهای جوان و نوجوانی که در آغاز راه هستند تا میانه راه بالندگی‌شان فراهم کند. بنابراین، اصل اتفاق، پس از اختتامیه آغاز می‌شود.

شیخ‌رضایی در پاسخ به این سوال که برپایی جشنواره هنرهای تجسمی جوانان ایران چقدر توانسته است به جریان‌سازی در حوزه هنرهای تجسمی منجر شود؟، گفت: جریان‌سازی رویدادها یک امر صرفاً آماری نیست و تحلیل و بررسی آن، موضوعی بسیار مهم و زیربنایی است.

عضو شورای سیاستگذاری سی‌امین جشنواره هنرهای تجسمی جوانان ایران افزود: با توجه به اینکه جوان‌ترین عضو شورا در این دوره هستم و در طول بیش از بیست سال فعالیت در حوزه هنر، در بیش از دویست رویداد نمایشگاهی و رقابتی حضور داشته‌ام و بیش از چهل عنوان برگزیده را در کارنامه‌ام دارم، تا زمانی که شرایط سنی حضور در رویداد را داشتم حتی به واسطه تحصیل در یکی از هنرستان‌های تحت نظارت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و فعالیت مستمر در زمینه‌های هنری و ارتباط با اساتید به دلیل نقص اطلاع‌رسانی یا به هر دلیل دیگر، تا چند سال گذشته از برگزاری جشنواره هنرهای تجسمی جوانان، فضا و روند آن بی‌اطلاع بودم.

وی بیان کرد: به این معنا همین ظرفیت‌های هنری، کارگاهی و آموزشی برای بسیاری از فعالان و علاقه‌مندان این عرصه میسر نمی‌شود. اثرگذاری و جریان‌سازی وسیع در طول زمان نیاز به بررسی‌های منسجم‌تری دارد و بنده اطلاعات و شناخت کافی از موفقیت‌های جشنواره در این زمینه ندارم.

نگاه

به بهانه پخش سریال جدید سعید نعمت الله در شبکه نمایش خانگی

آغازی سخت برای پدرگواردیولا

حمیدرضا کاظمی‌پور*

سعید نعمت الله را پیش از آنکه در حوزه کارگردانی بشناسیم بیشتر به عنوان نویسنده ای پر تلاش و توانمند می شناسیم که کارهای قبلی آن در مقام نویسندگی همچون «پشت بام تهران»، «میکائیل»، «زیر پای مادر»، «مدینه» و... مخاطب خود را داشته است و توانسته است تا اندازه ای موفق عمل کند. «پدر گواردیولا» اما اثری است که علاوه بر نویسندگی، کارگردانی آن نیز بر عهده سعید نعمت الله بوده است و شاید این بتواند دریچه ای جدی تر برای شناخت بیشتر از این هنرمند صاحب قلم باشد. اگرچه با پخش قسمت اول یک مجموعه هرگز نمی توان در مورد آن قضاوت درستی کرد، اما شاید بتوان با نشانه های ارائه شده در آغاز نیز به داده هایی دست یافت. نکته مهم در اولین قسمت از سریال «پدرگوادیولا» که قابل تامل است این است که فیلمساز در تولید اثر خود، راه ساده را انتخاب نکرده و نشان داده است برای گرفتن پلان ها و سکانس های خود وقت و انرژی زیادی گذاشته است. این وقت و حوصله را به خوبی می توان هم در سکانس های شلوغ و پر جمعیت اثر و هم در سکانس های محدود همچون صحنه اصلاح کردن کاراکتر بیوک با بازی مهران مدیری در حمام زندان ملاحظه کرد. روایت سیامک صفری از دیگر کاراکترهای این مجموعه برای بردن خانواده ای به سینمایی متروکه برای محل زندگی، از سکانس های قابل تامل دیگر اولین قسمت «پدرگواردیولا» ست که هم جنس روایت اش، هم زوایای دوربین انتخابی اش و هم کارکرد نور پردازی اش متفاوت است و نشان می دهد قرار نیست با یک روایت سطحی و صرفا قصه گو مواجه باشیم. استفاده از لوکیشن محل بازیافت و درگیری دو نفر از بازیگران در نمایی لانگ شات بر روی زباله های بازیافتی، تصویری عریان و بی پرده از لایه های زیرین کاراکترهایی را می دهد که بر روی آن چنگ می زنند. اگرچه شاید از نگاه برخی کارشناسان اینگونه پرداخت در ارائه اثر، بیشتر جلب توجه و به رخ کشیدن حرکت و زوایای دوربین است و نوعی فریب مخاطب را به همراه دارد اما باید دید در ادامه، سعید نعمت الله با این جنس از ساختار و روایت قرار است به چه مفاهیمی بدیعی دست یابد که قبلا تجربه نشده است. در هر حال اگرچه در قسمت اول هنوز داده های کافی برای تحلیل شخصیت ها، موقعیت ها و روایت داستان وجود ندارد اما نباید از تلاش کارگردان برای رسیدن به یک فرم زیباشناسانه در روایت خود چشم بست. فراموش نکنیم امروزه با حجم بسیار زیادی از سریال های مجموعه نمایش خانگی مواجه هستیم که به سادگی پلان ها را بدون وسواس لازم و فضاسازی رنگ و نور در کنار هم چیدمان می کنند و از صرف وقت و هزینه برای ارائه اثری چشم نواز به مخاطب بی بهره‌اند. «پدرگواردیولا» آغازی سخت اما قابل قبول را کلید زده است که امیدواریم تا پایان بتواند انسجام و هارمونی در ساختار خود را حفظ کند.

***عضو انجمن منتقدین و نویسندگان سینمای ایران**

منبع: ایرنا

کتابخانه

«سمپاش» و «آسمان دوست داشتنی» در جشنواره فیلم «رجینا» کانادا

پویانمایی‌های «آسمان دوست داشتنی» و «سمپاش» به بخش مسابقه هفتمین جشنواره بین‌المللی فیلم «رجینا» کانادا راه یافتند. به گزارش اداره کل روابط عمومی و امور بین‌الملل کانون، دو فیلم پویانمایی «آسمان دوست داشتنی» به کارگردانی امیر مهران و «سمپاش» ساخته فرنوش عابدی از تولیدات جدید کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در هفتمین جشنواره بین‌المللی فیلم «رجینا» کانادا به رقابت می‌پردازند. بر همین اساس پویانمایی «آسمان دوست داشتنی» در بخش مسابقه فیلم‌های کوتاه بین‌الملل جشنواره بین‌المللی رجینا چهارمین حضور خود را تجربه می‌کند. همچنین پویانمایی «سمپاش» که تاکنون جوایز زیادی را از جشنواره‌های بین‌المللی کسب کرده است در بخش مسابقه فیلم‌های کوتاه انیمیشن این جشنواره قرار دارد. جشنواره بین‌المللی فیلم «رجینا» با هدف الهام‌بخشی و انگیزه مردم برای کشف جهان از طریق تصاویر متحرک در کشور کانادا برگزار می‌شود. جشنواره بین‌المللی فیلم «رجینا» در پنج روز از ۱۰ تا ۱۴ مرداد ۱۴۰۲ (۱ تا ۵ آگوست ۲۰۲۳) در شهر رجینا ساسکاچوان کشور کانادا در حال برگزاری است.

از لی‌لی افشار چه خبر؟

لی‌لی افشار (نوازنده چیره‌دست و آهنگساز گیتار کلاسیک) پنج آواز محلی ایرانی را برای سازش تنظیم و در کتابی منتشر کرد. به گزارش ایسنا، «گل گندم»، «عزیز جون»، «لیلا لیلا»، «جان مریم»، «لالایی» و «سنه ده قالماز» از جمله آثاری هستند که او برای ساز گیتار تنظیم و نشر «ماهور» هم آن را منتشر کرده است. به گفته لی‌لی افشار، این پنج آواز منتخبی از موسیقی فولکلور ایرانی است که در تنظیم قطعات فرم اصلی‌شان حفظ شده است. آوازها از نواحی مختلف ایران که لهجه‌های و گویش‌های گوناگون دارند، نشأت گرفته است. این نوازنده قطعات را با همان نوآنس و تزئین‌هایی که خواننده می‌تواند اجرا کند، تنظیم کرده است و همه آوازها با مقدمه‌ای کوتاه آغاز می‌شود که معرفی تمپو و حس هر قطعه محسوب می‌شود. لی‌لی افشار در مقدمه این کتاب می‌نویسد: «این پنج آواز منتخبی از موسیقی فولکلور ایرانی است که در این تنظیم فرم اصلی‌شان حفظ شده است. مردم ایران با این قطعات کاملاً آشنا هستند و با وجود قدیمی بودنشان تا به امروز نزد ایرانیان قطعات محبوبی بوده‌اند. آوازها از نواحی مختلف ایران که لهجه‌ها و گویش‌های گوناگون دارند نشأت گرفته‌اند. تلاش کرده‌ام قطعات را با همان نوآنس و تزئین‌هایی که خواننده می‌تواند اجرا کند تنظیم کنم. همه‌ی آوازها به‌جز دَرِنه‌جان / عزیزجون با یک مقدمه کوتاه آغاز می‌شود که معرفی تمپو و حس هر قطعه است. در قطعه‌ی «جان مریم» اجرای آهسته‌ی ملودی تقلیدیِ است از ترمولوی زهی. تنظیم قطعه لالایی نیز ملهم از نسخه‌ای است برایکُر، اثر روبن گرگوریان. علاوه بر پنج آواز محلی، قطعه دیگری به نام سنه ده‌قالماز، اثر توفیق قلی‌یف، برای مجموعه تنظیم و بدان افزوده شده است.» لیلی افشار، نوازنده ایرانی گیتار کلاسیک است. وی نخستین نوازنده زن در جهان است که در رشته اجرای گیتار کلاسیک به درجه دکترا دست یافته است. او استاد موسیقی در دانشگاه ممفیس آمریکا است.

انصراف از جشنواره جهانی کتاب به دلیل سبزشویی حامی این رویداد

گرتا تونبرگ کنشگر محیط زیست سوئدی، با انصراف از حضور در جشنواره کتاب ادینبورگ، حامی اصلی آن را به «سبزشویی» متهم کرد. به گزارش خبرنگار کتاب ایرنا، سبزشویی - Greenwashing واژه‌ای است که به دورویی انسان‌های به‌ظاهر دوستدار محیط زیست اشاره دارد به این صورت که با نام حمایت از محیط زیست به محیط زیست و به جامعه انسانی صدمه می‌زنند. گرتا تونبرگ گفته بیلی گیفورد حامی اصلی جشنواره کتاب ادینبورگ، سرمایه گذاری زیادی در صنعت سوخت‌های فسیلی کرده است. تونبرگ قرار بود در سالن اجتماعات سه هزار نفری Playhouse درباره درخواست خود برای اقدام اقلیمی «برای تغییر جهان دیر نیست» در جشنواره امسال صحبت کند. انصراف او برای حضور در جشنواره کتاب ادینبورگ پس از آن گرفته شد که تارنمای خبری تحقیقاتی اسکاتلندی The Ferret ادعا کرد: بیلی گیفورد حامی این جشنواره میلیاردها دلار در شرکت‌هایی که از سوخت‌های فسیلی سود می‌برند سرمایه‌گذاری کرده است.